

۲۰۳

۴۹

دوستان راحمه درودگرم مرآ نیز میشود. درود بیکران بر مردم کو مردم

زخم دیده علاوه بر زده افعال استان

میگذارند که ناید باد روح آن دنامیک (این هم خون) و ضرایب ماده های

امروز روسی سخن ام. خود را عزیز میکن ام یا زمان افعال است که بسیار میشود دلارهای و دعوهای

ترین دوران را با سیاستیان پیش از دوره امداد زنان افعال استان

اسناد مادی سرشار از دست داشت، بر خودداری لزق داشت ولایت برای هر چند

صهیانه هم یک سکه حمله کنم.

تا او هم حقوق را در درجاتی حق داشت مانند که مدت کوتاه است

از این با هم در اینها کم میباشد. (ما شوردم، محروم بودم. یا این حق طبعی را میگذراند به مانند این

ما خود بات حق باز زده بودم و آنرا به نیت شناور داشتم، ما مردیم.

آنگاه قدراند همین گیری از زنان در مردم را خالی کرد -

چه هر چند بست نمیگیرد فراز جهانی برگزیده بودند. یا مردانی (ورا) بندی برای داد

دلار خود ساختند خوبین از آن و قربودند. که اینها همچنان میگذرند

خواهیان میگذرند بخوبی داشتند، باز زمان افعال است که

برخشنده را ایجاد کردند. قانون بین بینی حقوق در تمام کشور جهانی بنتند و میگردند باز زمان

بسوی ایشان هر دستی ایجاد کردند، دلار کله کویی میگردند مادرانی سال زخم خود را هم میگردند

و اینها که حکم انتظامی را داشتند، همچنان میگردند - زنان افعال طبقه ای ایشان را فسخ نمیکنند!

آه که دلم میخواهد اینها که سجن بگذارند - زنان افعال طبقه ای ایشان را فسخ نمیکنند!

باب و پسر باز نمیگردند. بروار نمیگردند، گروگان نمیگردند، فرزندی نمیگردند میخواهند اینها که

ما - زنان افعال سر زدنی هم سفر دوستی داشتیم داشتیم داشتیم داشتیم

و این حق میگیرند لام (آن) روم زنی هم

را حابه میگیرند سر زمان را به نام روح را برای آن بخواهند

بله

(افغان)

ABDUL NASEER  
SAZHISHاعظم رهنورد زریاب

رهنورد زریاب در سال ۱۳۲۳ هجری خورشیدی، در گذر ریکا خانه کابل دیده بجهان گشود. بعد از بپایا-  
ن رسانیدن لیسه حبیبیه شامل دانشگاه کابل گردیده، که در جریان تحصیل همیشه دانش آموز ممتاز در  
بین همقطاران خود بوده است. از دانشگاه کابل در رشته روزنامه نگاری، لیسانس و متعاقباً از دانشگاه  
ویلز جنوبی بریتانیا موفق به اخذ دیپلم فوق لیسانس گردید. رهنورد زریاب، در ماه حوت سال ۱۳۶۸، به  
ریاست انجمن نویسنده‌گان افغانستان برگزیده شد و در ماه میزان سال ۱۳۷۰ از این مقام کناره گرفت.  
تا کنون این نویسته‌های او به شکل کتاب به چاپ رسیده:

\_ «آوازی از میان قرن‌ها»، مجموعه داستان

\_ «دوستی از شهر دور»، مجموعه داستان

\_ «مرد کوهستان»، مجموعه داستان

\_ «نقش‌ها و پندار‌ها»، مجموعه داستان

\_ «گنگ خوابیده»، پژوهش‌های ادبی - هنری

\_ «حاشیه‌ها»، پژوهش‌های ادبی - هنری

\_ «پیراهن‌ها»، ترجمه داستانهای کوتاه جهان

\_ «شمعی در شبستانی»، مجموعه مقاله‌ها

\_ «هدیان‌های دور غربت»، طنزینه‌ها

کتاب دیگر او بنام «دور قمر» که نگرشی است به رویداد‌های بیست سال اخیر افغانستان، از دوازدهم  
ماه دلو ۱۳۷۳ تا پنجم سپتمبر ۱۳۷۵ در شماره‌های مسلسل جریده «وفا» نشریه انجمن نویسنده‌گان  
افغانستان آزاد - در پشاور به چاپ رسیده است. فلمنامه‌یی هم بنام «اختر مسخره» نوشته که به اساس آن  
فلمی به همین نام، به کارگردانی انجینیر لطیف، در کابل ساخته شده است. کارهای روزنامه نگاری او چون  
گزارش‌ها و مصاحبه‌ها، در خلال سال‌های ۱۳۵۷- ۱۳۵۵ بسیار بوده است. نقد فلم، نقد تیاتر، و نقد  
کتاب هم نوشته است. این نویسته‌های او غالباً، با نام‌های مستعار «ناب» و «زر» به چاپ رسیده‌اند.

## لطیف ناظمی

در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در هرات تولد گردیده، و تا ۱۵ سالگی دانش‌های مروج چون فقه، منطق و زبان عربی را در محضر استادان دیاران آبایی آموخت.

او از نخبه دانش آموزانی بوده است که نه تنها از محضر استاد بزرگ علامه شیخ محمد طاهر قندهاری فیض برده بلکه موهبت درک استاد را نیز داشته است.

ناظمی سپس شامل لیسه سلطان غیاث الدین هرات گردیده که پس از اتمام موفقانه آن مدرسه، جهت ادامه تحصیل به فاکولته ادبیات نامنویسی کرد. او در سال ۱۳۴۸ مدرک تحصیلی لیسانس را اخذ و متعاقباً در بخش رادیو افغانستان شامل کار شد، که پس از چندی سمت استادی فاکولته ادبیات را احراز نمود.

ناظمی مسؤولیت نوشتمن و تهیه مطالب برای برنامه ترازوی طلابی را چندین سالی بعده داشت، که آن برنامه از شهرت خاص در میان شنونده‌گان چیز فهم رادیو در کشور برخوردار بود.

او در اوایل دهه شصت به صفت استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه همبولت آلمان شرقی پذیرفته شده و راهی آن کشور گردید. ناظمی پس از چندی تصمیم اتخاذ نمود تا از مسؤولیت‌های دولتی کناره گیری نماید، که به تعقیب آن به کشور آلمان رفت. ناظمی به صفت شاعر، نویسنده، منتقد و استاد دانشگاه جای خاص در ادبیات معاصر افغانستان دارد. او نخست شعر را از سرایش قصیده و غزل آغاز نموده و سپس به شعر نیمایی رو آورد که در این راستا به استاد بی بدیل و از بزرگان آن سبک در کشور ماست. مهارت‌های ناظمی به شعر خلاصه نشده او به زبان‌های انگلیسی آلمانی و عربی بلديث دارد. لطیف ناظمی از جمله شاعران، نویسنده‌گان، محققان و نقد نویسان دست اول کشور بوده که نثر او از شیوه‌ای فصاحت و زیبایی خاصی برخوردار است.

از آثار مهم ناظمی میتوان از سایه و مرداب، باد در فانوس، در بیشه‌های باد، پنجره‌ای بسوی خیابان و از باغ تا غزل نام برد.

آثار منشور او چون مقدمه‌ای بر داستان نویسی معاصر در داخل و خارج کشور چاپ گردیده است.

دوسستان ارجمند درود گرم مهرآمیز بر شما. درود بی کران بر مردم دلیر، مردم زجر دیده جنگ زده ای افغانستان.

جنگ که نابود باد روح اش و نام اش

این همه خون و خرابه باد حرام اش

امروز روی سخن ام با خواهان عزیز هم زبان ام، با زنان افغان است که بیشترین دشواری و دهشت بار ترین دوران را با شکیایی به سر آورده اند.

اینک با دلی سرشار از شادی، برخورداری از قانون والای برابری حقوق را به زنان افغانستان صمیمانه تبریک می گوییم.

تساوی حقوق زن و مرد در جامعه، حق انسانی ما زنان است که مدت ها و مدت ها پیش از این باستی دارای آن می بودیم. اما نبودیم، محروم بودیم. یا این حق طبیعی را ستمنگانه به ما ندادند، یا خودمان خواب زده بودیم و آن را به دست نیاوردیم، یا هر دو. اما گفته اند پیش گیری از زیان، در هر زمان سود است.

چه پرشکوه است نیمه سرفراز خانواده بزرگ بشر بودن، با هر انسان روی زمین برابر بودن و از حق ساختن سرنوشت خویش آزادانه بهره ور بودن، که

خواهان بزرگوار رنج دیده من، بانوان افغان! امروز خواهش ام از شما این است که بر تخت روان حاکمیت قانون، قانون برابری حقوق، در تمامی شئون جامعه، بنشینید و پیش بتازید. بتازید به سوی رهائی، روشنائی، به مدرسه ها، دانشگاه ها، و به یاری مادر کهن سال زخم خورده میهن تان - که چشم انتظار شماست.

با زبان نماد

دل ام می خواهد با شما حرف بزنم - بانوان افغان - قناری های زیبای قفس نشین! بال و پر باز کنید. پرواز کنید، و زندگی نوساز امروز و آینده خودتان را آغاز کنید.

ما - زادگان سرزمین های شعر و موسیقی و آفتاب حق داریم شاد و آزاد زندگی کنیم. و این حق همه ای انسان های روی زمین است.

حیدر احمد (صلی)

اجازه بدھید شعر تازه ام به نام «روح زن» را برای تان بخوانم.

۲۰۰۲ / ۱۱